

ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند

The Factor Structure and Validity of the Persian Version of the Baumrind Parenting Style Inventory

A. Minaei, Ph.D.

دکتر اصغر مینائی

استادیار گروه سنجش و اندازه‌گیری (روان‌سنجی) دانشگاه علامه طباطبائی

S. Nikzad, M.A.

سپیده نیک‌زاد ✉

کارشناسی ارشد روان‌سنجی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

دریافت مقاله: ۹۵/۵/۳۱

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۹۵/۱۱/۲۳

پذیرش مقاله: ۹۵/۱۲/۱۵

Abstract

In this study, the factor structure and validity of Persian version of the Baumrind Parenting Style Inventory were evaluated among 576 mothers of elementary school students in Tehran who had been selected through multistage cluster sampling method. This study is, due to its subject and purposes a descriptive study based on psychometric methods. The factor structure of the inventory was tested by AMOS software based on the fitting and modification indicators in the confirmatory factor analysis. The results showed that all items of parenting style inventory except the items of 24, 8, 13, 18, assess the previously

چکیده

در این پژوهش، ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند، در بین ۵۷۶ نفر از مادران دانش‌آموزان دوره ابتدایی شهر تهران تعیین شده است که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. این پژوهش، با توجه به ماهیت موضوع و اهداف آن، یک تحقیق توصیفی بر اساس روش‌های روانسنجی است. ساختار عاملی پرسشنامه، بر اساس شاخص‌های برازش و شاخص‌های بهبود در تحلیل عاملی تاییدی توسط نرم‌افزار AMOS مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌ها نشان داد در پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری به استثنای ماده‌های ۲۴، ۸، ۱۳ و ۱۸، بقیه ماده‌ها عوامل از پیش تعیین شده پرسشنامه را می‌سنجند و سوالات

✉Corresponding author: Department of Psychology, Faculty of Psychology & Education, Islamic Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

Email: nikzad_sepideh@yahoo.com

✉نویسنده مسئول: تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی.

پست الکترونیکی: nikzad_sepideh@yahoo.com

determined factors of the inventory, and the inventory's questions have a relatively good validity. Also, stratified alpha was used to calculate the reliability of the whole inventory, and Guttman coefficient was utilized to calculate the reliability of subscales. The outcomes indicated that the inventory and its subscales possess a relatively good reliability.

Keywords: Baumrind Parenting Style, Confirmatory Factor Analysis, Validity, Reliability.

پرسشنامه، دارای روایی نسبتاً مطلوبی هستند. همچنین برای محاسبه اعتبار کل پرسشنامه از آلفای طبقه‌ای و برای محاسبه اعتبار خرده‌مقیاس‌ها از ضریب گاتمن استفاده گردید. نتایج نشان‌دهنده اعتبار نسبتاً خوب پرسشنامه و خرده‌مقیاس‌های آن می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری بامریند، تحلیل عاملی تأییدی، روایی، اعتبار

مقدمه

یکی از مشکلاتی که والدین با آن روبه‌رو هستند، می‌تواند عدم آگاهی از چگونگی شیوه‌های تربیتی و ناآگاهی از شیوه‌های مناسب تربیت باشد. خانواده مهم‌ترین و اساسی‌ترین سازمان است که شخصیت کودک در آن شکل می‌گیرد. خانواده اولین پایه‌گذار شخصیت و ارزش‌ها و معیارهای فکری است که نقش مهمی در تعیین سرنوشت و سبک و خط‌مشی زندگی آینده فرد دارد و اخلاق و صحت و سلامت روانی فرد تا حدود بسیاری در گرو آن است (احدی و نیک‌چهره^۱، ۱۳۸۶). شیوه‌های فرزندپروری^۲، روش‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند و بیانگر نگرش‌هایی است که آن‌ها نسبت به فرزندان خود دارند و همچنین شامل معیارها و قوانینی است که برای فرزندان خویش وضع می‌کنند. در عین حال رفتارهای فرزندپروری به واسطه فرهنگ، نژاد و گروه‌های اقتصادی تغییر می‌کند. روش‌هایی که والدین در تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند، نقشی اساسی در تأمین سلامت روانی فرزندان آن‌ها خواهد داشت؛ به طوری که اکثر مشکلات رفتاری کودکان منعکس‌کننده شرایط پیچیده بین فردی اعضای خانواده به ویژه والدین است. به عبارت دیگر وجود مشکلات رفتاری کودک به منزله روابط معیوب اعضای خانواده با یکدیگر است و با روش‌های تربیتی نادرست والدین و تعاملات معیوب آن‌ها با فرزندان ارتباط دارد.

شیوه‌های فرزندپروری، مرتبط با نحوه برخورد والدین نسبت به فرزندان و احساسات و علاقه آن‌ها به یکدیگر و چگونگی دخالت یا عدم دخالت آن‌ها در کارهای مهم و همکاری با آن‌هاست. شیوه‌های فرزندپروری روش‌هایی هستند که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می‌کنند و در شکل‌گیری رشد آنان در کودکی و خصایص بعدی شخصیتی و رفتاری آنان تأثیر فراوان و عمیقی دارد. این امر مستلزم اصلاح روش‌های تربیتی است (شریعتمداری^۳، ۱۳۸۴). در شیوه تربیتی مقتدرانه که مناسب‌ترین روش فرزندپروری است، والدین مقتدر درخواست‌های معقولی برای پختگی دارند و این درخواست‌ها را با تعیین محدودیت‌ها و اصرار به این‌که کودک باید از آن‌ها تبعیت کند، به اجرا می‌گذارند، در عین حال آن‌ها صمیمیت و محبت نشان

می‌دهند، صبورانه به نقطه نظرهای فرزندشان گوش می‌دهند و مشارکت در تصمیم‌گیری خانوادگی را ترغیب می‌نمایند (لطف‌آبادی^۴، ۱۳۸۵).

پژوهش‌های ۵۰ سال گذشته نشان داده‌اند که سبک والدینی، ارتباطی قوی با رشد کودکان و نوجوانان دارد و چگونگی الگوهای تعاملی والدین با فرزندان را پژوهشگران بسیاری مانند پاریش و مک‌لوسکی^۵ (۱۹۹۲)، شیفر^۶ (۱۹۵۹)، و بیکر^۷ (۱۹۶۴) مورد بررسی قرار داده‌اند (پاریش و مک‌لوسکی، به نقل از ابوطالبی احمدی^۸، ۱۳۹۱). بامریند^۹، طی سال‌های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۷ اثرات ناشی از کنترل سبک فرزندپروری والدین را بر رشد و تحول کودک مورد بررسی قرار داده است. گروهی از والدین و کودکان آن‌ها مورد مشاهده قرار گرفتند و با والدین نیز مصاحبه‌ای به عمل آمد. بر اساس آن، بامریند سه نوع کنترل والدین را مطرح کرد. در شیوه استبدادی، والدین محدودکننده هستند و انتظار دارند کودک از مجموعه قوانین آن‌ها فرمانبرداری کند، در نتیجه کودک، ترسو، ناراحت، خشن، غیردوستانه و آسیب‌پذیر و روی هم رفته کودک فردی تندخو و ناسازگار می‌شود. در شیوه مقتدرانه، محدودیت‌هایی بر کودک اعمال می‌شود و از او انتظار می‌رود که از آن‌ها اطاعت کند، اما منظور از همه موارد فوق برای کودک توضیح داده شده و توجیه می‌شود (براون^{۱۰}، ۲۰۰۸).

والدین در برابر نیازهای کودک مسئولند در نتیجه کودک، دارای روحیه اعتماد به نفس، همکاری‌کننده، مهربان و خوش‌رو بوده، تمایل به کسب موفقیت و کنجکاوی دارد. روی هم رفته کودک پرانرژی و مهربان است. در شیوه آزادگذار، کودک بر آزادی بیان و رفتار مجاز است و قوانین و درخواست‌های کمی بر وی تحمیل می‌شود. در نتیجه کودک، سرکش، تکانشی و پرخاشگر شده و خودکنترلی و موفقیت‌هاپش کم است. روی هم رفته کودک تکانشی و پرخاشگر می‌شود (براون، ۲۰۰۸).

بامریند شیوه‌های فرزندپروری والدین را مطرح کرده است. شیوه‌های مختلف فرزندپروری بر جنبه‌های مختلف رشد تأثیر می‌گذارد. والدین در شیوه فرزندپروری استبدادی^{۱۱}، سبک محدودکننده و تنبیه‌کننده دارند و محدودیت‌های سنگینی را برای کودک خود تعیین می‌کنند. برعکس والدین با شیوه فرزندپروری آزادگذار^{۱۲}، دارای پذیرش زیاد، بی‌توجه به کودک هستند و انتظارات کمی از او دارند. والدین با شیوه فرزندپروری اقتدار منطقی^{۱۳}، پذیرش به همراه آزادگذاری را به همراه مهارت، با دلایل خاص خود به کودک ارائه می‌دهند که باعث نظم دادن به فعالیت‌های کودک می‌شود که انواع پیامدهای مثبت روان‌شناختی را برای کودک و نوجوان فراهم می‌کند (استینبرگ^{۱۴}، ۲۰۰۱).

با توجه به اهمیت سنجش شیوه‌های فرزندپروری در کاربردهای بالینی، تربیتی و فعالیت‌های پژوهشی، پرسش‌نامه‌های متعددی برای سنجش این ویژگی تهیه شده است که از آن جمله می‌توان به پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند اشاره کرد. این پرسش‌نامه برای اولین بار توسط بورای^{۱۵} در سال ۱۹۹۱ تهیه شد که دارای ۴۸ سؤال بود که در مراحل بعد، با استفاده از نظر متخصصان و نتایج حاصل از تحلیل‌های روان‌سنجی تعداد سؤال‌های پرسش‌نامه به ۳۰ سؤال کاهش پیدا کرد که ۱۰ سؤال آن به شیوه اقتدار منطقی، ۱۰ سؤال به شیوه استبدادی و ۱۰ سؤال دیگر به شیوه آزادگذار مربوط است (هال و براکن، به نقل از ابوطالبی احمدی، ۱۳۹۱). فرم اصلی این پرسش‌نامه را اسفندیاری در سال ۱۳۷۴ ترجمه و برای تعیین روایی صوری آن، زیر نظر متخصصان و صاحب‌نظران روان‌شناسی اصلاحات لازم را به عمل آورد و عبارت‌های دیگری نیز به آن افزوده است (اسفندیاری^{۱۶}، ۱۳۷۴). تقریباً ربع قرن از پژوهش اسفندیاری می‌گذرد و در این

مدت تغییرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، و آموزشی بزرگی در جامعه ایران رخ داده است که ممکن است بر شیوه‌های فرزندپروری والدین و در نتیجه بر ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه مورد نظر تأثیر گذاشته باشد. بررسی‌ها نشان داد که از زمان پژوهش اسفندیاری تاکنون هیچ پژوهش جدی در خصوص ساختار عاملی و ویژگی‌های روان‌سنجی این پرسش‌نامه در جامعه ایران صورت نگرفته است.

از پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند در پژوهش‌های متعددی استفاده شده است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش بی‌طرف، شعیری، حکیم‌جوادی^{۱۷} (۱۳۸۹)، دانش، رضابخشی، بهمنی و سلیمی‌نیا^{۱۸} (۱۳۹۰)، فراهینی، افروز، رسول‌زاده طباطبایی^{۱۹} (۱۳۹۲)، الخاروسی، الدهافری، کاظم، و الزوبیادی^{۲۰} (۲۰۱۱)، توسون هیل^{۲۱} (۲۰۱۱)، و نیک‌زاد، مینائی و حسنی^{۲۲} (زیر چاپ) اشاره کرد. بی‌طرف و همکاران (۱۳۸۹) ضرایب همسانی درونی پرسش‌نامه را در دانشجویان با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای شیوه آزادگذاری ۰/۶۹، شیوه مستبدانه ۰/۷۰ و شیوه اقتدار منطقی ۰/۷۹ گزارش کرده‌اند. دانش و همکاران (۱۳۹۰) نیز ضریب آلفای کرونباخ را در دانشجویان زن برای شیوه آزادگذار ۰/۷۶، شیوه مستبدانه ۰/۷۹ و شیوه اقتدار منطقی ۰/۸۴ گزارش کرده‌اند. در پژوهش فراهینی و همکاران (۱۳۹۲) اعتبار پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ، مقدار ۰/۷۴ برای الگوی استبدادی، ۰/۷۲ برای الگوی اقتدار منطقی و ۰/۷۶ برای الگوی آزادگذار به دست آمد. همچنین توسون هیل (۲۰۱۱) ساختار عاملی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند را با استفاده از دو رویکرد تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی در گروهی از مادران و پدران دانشجویان مورد بررسی قرار داد.

نتایج تحلیل عاملی تأییدی نشان داد که کمترین بار عاملی در گروه مادران مربوط به ماده ۸ و در گروه پدران مربوط به ماده ۲۴ است. شاخص‌های برازش خرده‌مقیاس‌های شیوه‌های فرزندپروری نیز در وضعیت نسبتاً ضعیفی قرار داشتند. نتیجه تحلیل عاملی اکتشافی بر روی سؤالات نشان داد مدل سه عاملی فرزندپروری، شامل استبدادی، اقتدار منطقی و آزادگذار، بهترین تفسیر را از داده‌ها دارند (توسون هیل، ۲۰۱۱). نتایج پژوهش الخاروسی و همکاران (۲۰۱۱) نشان داد که پرسش‌نامه ۲۰ سؤالی در مقایسه با پرسش‌نامه ۳۰ سؤالی در همه زیرمقیاس‌ها از روایی و اعتبار بهتری برخوردار است. نیک‌زاد و همکاران (۱۳۹۵) نیز با استفاده از مدل‌های نظریه سؤال - پاسخ (IRT) به بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این ابزار در والدین گروهی از دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که سؤالات ۱۷، ۲۱ و ۲۴ از شیوه آزادگذار، سؤالات ۴ و ۱۱ از شیوه اقتدار منطقی و سؤالات ۱۲ و ۱۸ از شیوه استبدادی، سؤالات نامناسبی هستند که باید یا حذف یا اصلاح شوند. سؤالات مناسب این پرسش‌نامه سؤالات ۱۰، ۱۳، ۱۹ و ۲۸ از شیوه آزادگذار، سؤالات ۲۰ و ۲۳ از شیوه اقتدار منطقی و سؤالات ۲ و ۱۶ از شیوه استبدادی دارای میزان مطلوبیت مناسب بوده‌اند و این سؤالات، عینی‌تر و بیشتر قابل درک هستند.

شیوه‌های تربیتی از دو نظر قابل توجه است: (۱) دارای اهمیت تربیتی هستند؛ (۲) شخصیت، آینده و تمامی تصمیمات آینده را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند. دوران کودکی از مهم‌ترین مراحل زندگی است که در آن پایه و مایه شخصیت، شکل می‌گیرد. در دنیای امروز پدران و مادران برای تربیت فرزند خویش با چالش‌های بی‌شمار و دشواری‌های زیاد روبه‌رو هستند. امروزه اشتغال پدر و مادر در خارج از خانه، کمبود زمان در گذراندن وقت با فرزندان، وجود امکانات در عصر تکنولوژی و دسترسی همگان به اطلاعات، مدیریت سنتی

والدین را که مبتنی بر کنترل اطلاعات و قدرت ناشی از آن باشد با دشواری روبه‌رو ساخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که کیفیت فرزندپروری تأثیر زیادی بر تکامل طبیعی کودک دارد. کودکان مبتلا به مشکلات رفتاری اغلب اوقات با والدین خود لجبازی و نافرمانی می‌کنند و قوانین خانه و مدرسه و یا جامعه را زیر پا می‌گذارند (کازدین، به نقل از میرزایی^{۲۳}، ۱۳۸۴).

همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد، یکی از پرکاربردترین ابزارها، در زمینه سنجش شیوه‌های فرزندپروری، پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند است. به دلیل کاربردهای متعدد این پرسش‌نامه در پژوهش‌های روان‌شناسی و تربیتی، لازم است تا ساختار عاملی و دقت اندازه‌گیری این پرسش‌نامه مورد بررسی قرار گیرد. شناخت توانمندی‌ها و ناتوانایی‌ها و مشکلات تربیتی موجود در خانواده نیازمند ابزاری است که بتواند نگرش تربیتی والدین را از ابعاد مختلف بازبینی و تحلیل کند، مشکلات به وجود آمده را شناسایی کند تا بدین ترتیب یک درمانگر بتواند به ارائه راهکارهای مناسب برای حل مشکل بپردازد. با توجه به کاربردهای عملی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند، در این پژوهش تلاش گردید تا ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند بین مادران دانش‌آموزان دختر و پسر شهر تهران با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی تأییدی^{۲۴} مورد بررسی قرار گیرد.

روش پژوهش

این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف آن یک تحقیق توصیفی بر اساس روش‌های روان‌سنجی است. این پژوهش به دنبال تعیین ساختار عاملی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری با استفاده از رویکرد تحلیل عاملی تأییدی است. جامعه آماری پژوهش، مادران دانش‌آموزان پسر و دختر پایه اول تا ششم ابتدایی مدارس دولتی مناطق ۱۹ گانه شهر تهران در سال تحصیلی ۹۵-۹۴ هستند که مجموع آنان ۴۹۴۹۷۲ نفر بوده است. حجم نمونه را ۶۷۲ نفر تشکیل می‌دهند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای، انتخاب شدند. ابتدا شهر تهران به چهار موقعیت جغرافیایی شمال، جنوب، غرب و شرق تقسیم شد و سپس به طور تصادفی از هر موقعیت یک منطقه، مناطق ۱، ۵، ۸ و ۱۵، از هر منطقه یک مدرسه دخترانه و یک مدرسه پسرانه و از هر مدرسه از هر پایه ۱۴ نفر به طور تصادفی انتخاب شدند و سپس مادران دانش‌آموزان منتخب در جلسه‌ای که با هماهنگی مدیریت مدرسه انجام شد، پرسش‌نامه را تکمیل نمودند. تعداد ۹۶ نسخه از پرسش‌نامه‌ها به دلایل مختلف از جمله: عدم پاسخگویی به تعداد زیادی از سؤالات از تحلیل کنار گذاشته شدند و حجم نمونه به ۵۷۶ نفر کاهش پیدا کرد که از دو جنسیت دختر و پسر به طور مساوی انتخاب شدند. در گردآوری اطلاعات از نسخه فارسی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند استفاده گردید. این ابزار اقتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند (۱۹۷۱) از آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین، برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسش‌نامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده به شیوه آزادگذاری مطلق، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود و بر حسب طیف لیکرت، یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم، کاملاً موافقم) مشخص می‌شود و به ترتیب از ۴ - ۰ نمره‌گذاری شده است و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد هر یک از خرده‌مقیاس‌های آزادگذار، استبدادی و اقتدار منطقی

برای هر آزمودنی به دست می‌آید. پژوهشی توسط اسفندیاری با عنوان مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تأثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری در سال ۱۳۷۴ انجام شد. میزان پایایی برای روش سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای شیوه مستبدانه ۰/۷۷ و برای شیوه مقتدرانه ۰/۷۳ به دست آمد (اسفندیاری، ۱۳۷۴). کرمی ابتدا پرسش‌نامه را ترجمه کرد و مورد استفاده قرار داد، جهت بررسی مقیاس سبک فرزندپروری از روش دو نیمه کردن استفاده کرد. ضریب پایایی آزمون از طریق روش اسپیرمن - براون و روش دو نیمه کردن گاتمن برابر ۰/۸۳ به دست آمد. آلفای کرونباخ یا همسانی کلی سوالات برابر ۰/۸۶ به دست آمد که رضایت‌بخش است (کرمی، به نقل از سعیدی^{۲۵}، ۱۳۹۱). برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از پرسش‌نامه، از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS نسخه ۲۲ استفاده شد.

یافته‌ها

جدول ۱: شاخص‌های آمار توصیفی

جنسیت	پسر				دختر			
	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
آزادگذار	۱۵/۲۷	۵/۰۷	-۰/۴۹	-۱/۳۹	۱۴/۹۷	۴/۱۳	۰/۵۸	-۱/۳۰
اقتدار منطقی	۳۲/۲۰	۴/۷۳	۰/۵۲	-۰/۱۳	۳۲/۴۳	۳/۶۱	۰/۶۷	۰/۵۴
استبدادی	۱۴/۹۶	۶/۱۲	۰/۰۱	-۱/۹۷	۱۴/۵۰	۵/۱۷	۰/۰۹	-۱/۸۲
کل	۶۲/۴۴	۸/۳۷	۰/۰۲	-۱/۵۸	۶۱/۹۰	۲/۰۶	-۰/۰۹	-۱/۵۹

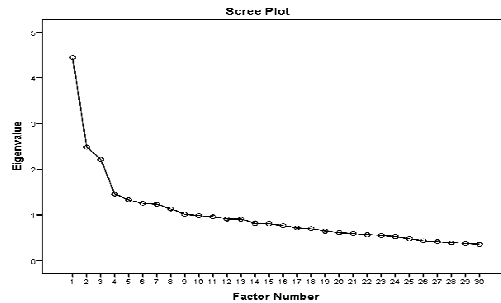
جدول ۱، شاخص‌های آمار توصیفی را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد.

ساختار عاملی

برای بررسی روایی سازه و شناسایی ساختار عاملی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری، ابتدا نمونه مورد پژوهش به دو نمونه ۲۷۶ نفری و ۳۰۰ نفری تقسیم شد. نمونه اول تحت عنوان نمونه A و نمونه دوم تحت عنوان نمونه B نام‌گذاری شدند. ابتدا به طور مقدماتی، به منظور کشف ساختار عاملی در جامعه مورد پژوهش، یک تحلیل عاملی اکتشافی به روش عامل‌یابی محورهای اصلی با چرخش پروماکس، بر روی نمونه A صورت گرفت و مدل حاصل از این تحلیل را با روش تحلیل عاملی تأییدی، با نرم‌افزار AMOS مورد آزمون قرار دادیم و سپس یک تحلیل عاملی تأییدی بر روی مدل اولیه این پرسش‌نامه روی نمونه B انجام شد که در ادامه، نتایج آن ارائه شده است.

در تحلیل عاملی اکتشافی، مقیاس کفایت نمونه‌گیری کیزر (KMO) برابر ۰/۷۵ و معنادار بودن نتیجه آزمون کرویت بارتلت با مقدار خی دو برابر ۱۵۷۵/۸۵۹ با درجه آزادی ۴۳۵ در سطح $P < ۰/۰۰۱$ و از طرفی مقدار دترمینان ماتریس همبستگی برابر ۰/۰۳، نشان داد شرایط لازم برای تحلیل عاملی وجود دارد. نمودار ۱، نمودار اسکری، نشان می‌دهد که سهم عامل نخست در واریانس کل متغیرها چشمگیر و از سهم بقیه

عامل‌ها متمایز است، اما شیب نمودار بعد از عامل سوم از بین می‌رود. در واقع فلات نمودار از عامل سوم شروع می‌شود.



نمودار ۱: نمودار اسکری

پس از چرخش پرومکس، ارزش ویژه ۳ عامل نخست، به ترتیب برابر با ۴/۴۶، ۲/۷۸، و ۲/۲۲ به دست آمد. این ۳ عامل روی هم رفته ۳۰/۴۷ درصد از واریانس کل پرسش‌نامه را تبیین می‌کنند. ساختار عاملی در جدول ۲، حاکی از آن است که چنان‌چه سه عامل استخراج شده با روش عامل‌یابی محورها اصلی، با روش پرومکس، با استفاده از ملاک ورودی بار عاملی بالاتر از ۰/۳۰ و ملاک خروجی وجود حداقل سه سؤال برای هر عامل، چرخش داده شود، با توجه به بار عاملی سؤالات و مقدار بار عاملی که هر سؤال بر هر یک از عامل‌ها دارند، بیشترین بار عاملی را سؤال ۱۶ (۰/۶۶) بر روی عامل اول و کمترین بار عاملی را سؤال ۱۱ (۰/۳۱) بر روی عامل دوم داشت، سؤال ۲۴ نیز روی عامل دوم بار شده است و سؤالات ۸، ۱۷ و ۲۱ روی هیچ عاملی بار نداشتند.

جدول ۲: ساختار عاملی

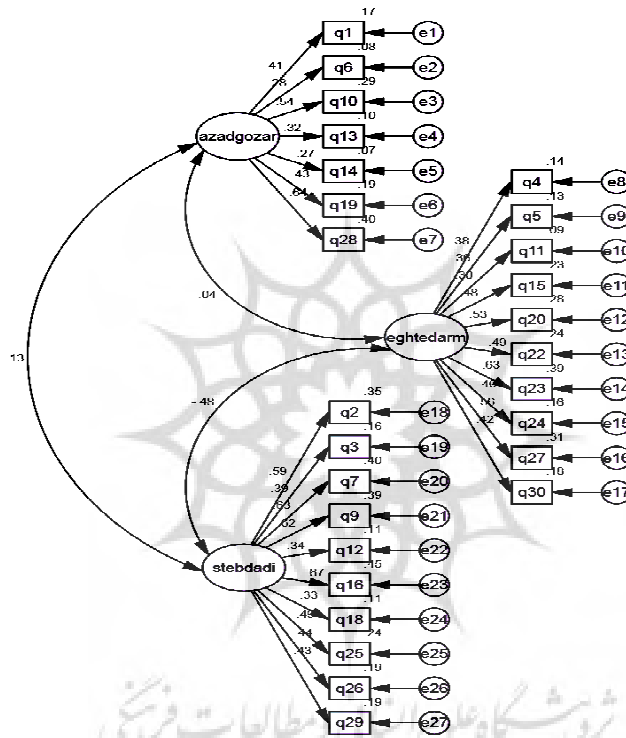
عامل سوم	عامل دوم	عامل یکم	گویه	عامل سوم	عامل دوم	عامل یکم	گویه
	۰/۳۹		۳۰		-۰/۳۰	۰/۶۶	۱۶
	۰/۳۶		۵			۰/۶۵	۹
	-۰/۳۵		۱۸			۰/۶۱	۷
	۰/۳۵		۴		-۰/۳۱	۰/۵۷	۲
	۰/۳۱		۱۱			۰/۵۳	۲۵
			۸			۰/۴۵	۲۹
			۱۷			۰/۴۵	۲۶
۰/۵۲			۲۸			۰/۳۹	۳
۰/۴۷			۱۹			۰/۳۶	۱۲
۰/۴۶			۱۰		-۰/۶۳		۲۳
۰/۳۶			۶		-۰/۵۷		۲۷
۰/۳۳			۱		-۰/۵۳		۲۰
۰/۳۲			۱۳		-۰/۵۱		۲۲
۰/۳۲			۱۴		-۰/۴۸		۱۵
			۲۱		-۰/۴۱		۲۴

در جدول ۳، مجموع پرسش‌هایی که مشترکاً با یک عامل همبسته بوده و تشکیل یک خرده‌مقیاس را می‌دهند نشان داده شده است.

جدول ۳: عوامل استخراج شده

عامل	گویه‌ها
شیوه آزادگذار	۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۸
شیوه منطقی	۴، ۵، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۳۰
شیوه استبدادی	۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹

در نمودار ۲: ساختار عاملی حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری، تحت عنوان مدل A، با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی در پژوهش حاضر نشان داده شده است.

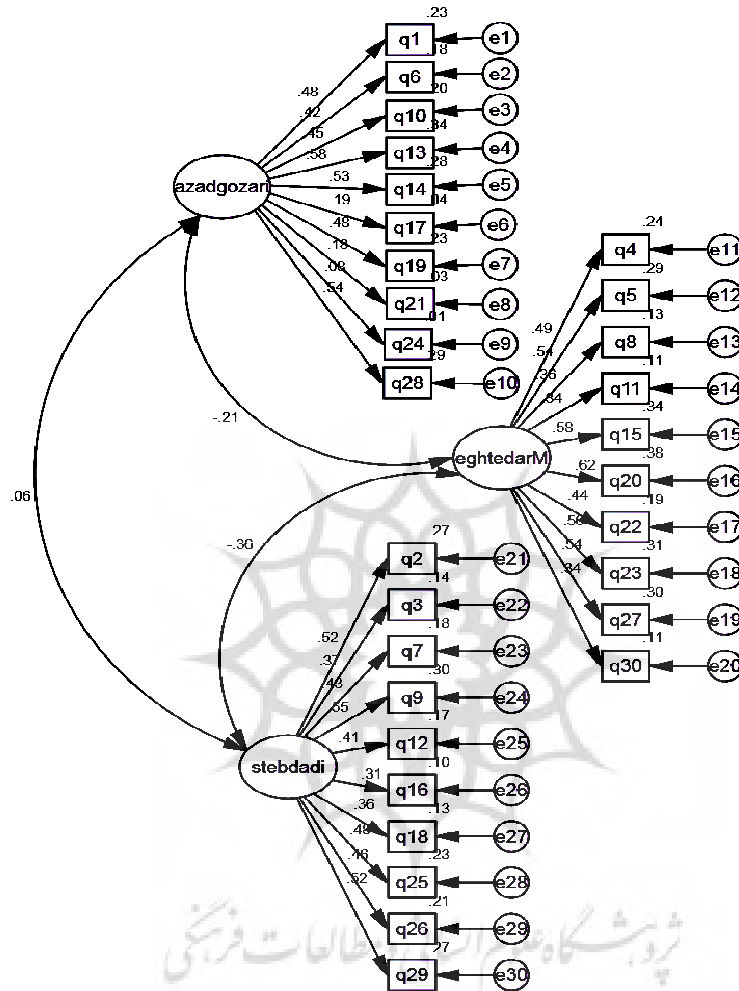


نمودار ۲: ساختار عاملی حاصل از تحلیل عاملی تأییدی، مدل A

جدول ۴: شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی، مدل A

شاخص	X^2/Df	RMSEA	NFI	CFI	AGFI	GFI	X^2
معیار	کمتر از ۳	کمتر از ۰/۰۵	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۸۰	بیشتر از ۰/۹۰	عدم معناداری
مقدار	۱/۶۷	۰/۰۵	۰/۶۲	۰/۸۰	۰/۸۵	۰/۸۷	۵۳۶/۰۰۸

جدول ۴، شاخص‌های برازش مدل A را در مقایسه با محدوده بهینه نشان می‌دهد. شاخص χ^2 دو به درجه آزادی برابر ۱/۶۷، ضریب شاخص ریشه میانگین مجذورات خطای تقریب ۰/۰۵، شاخص برازش هنجار شده ۰/۶۲، شاخص برازش تطبیقی برابر با ۰/۸۰، شاخص نیکویی برازش اصلاح شده برابر با ۰/۸۵، شاخص نیکویی برازش برابر با ۰/۸۷ به دست آمده است.



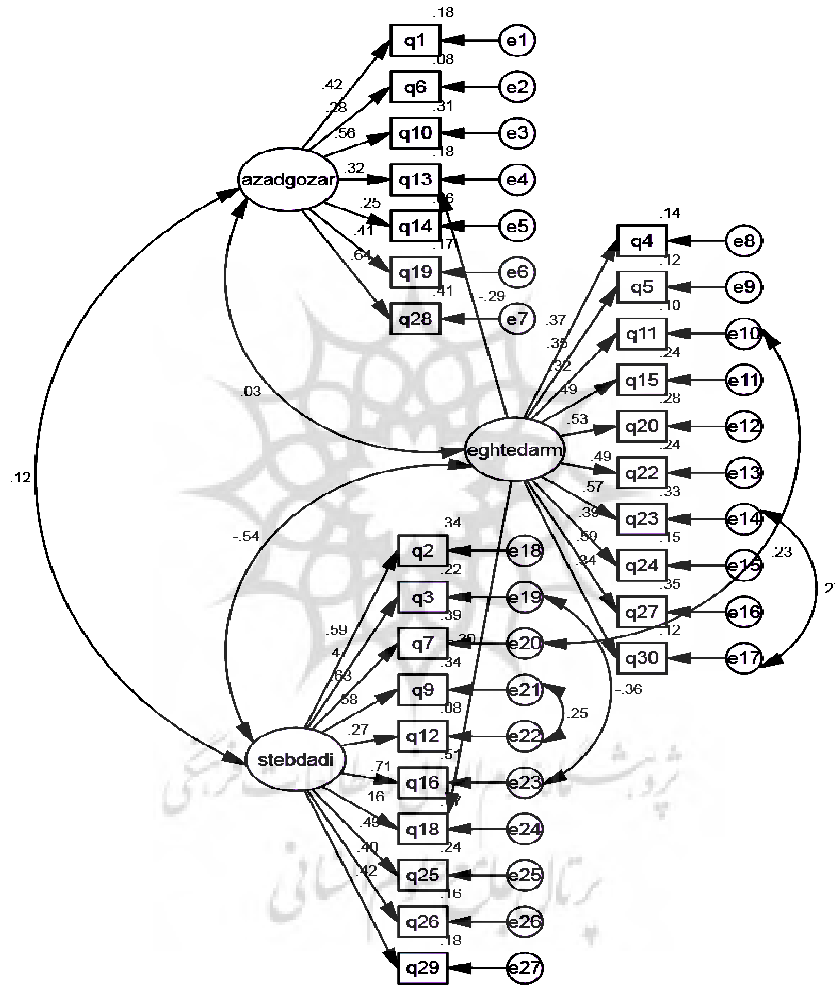
نمودار ۳: ساختار عاملی حاصل از تحلیل عاملی تأییدی، مدل B

نمودار ۳، ساختار عاملی مدل اولیه پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری را تحت عنوان مدل B با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی در پژوهش حاضر نشان می‌دهد.

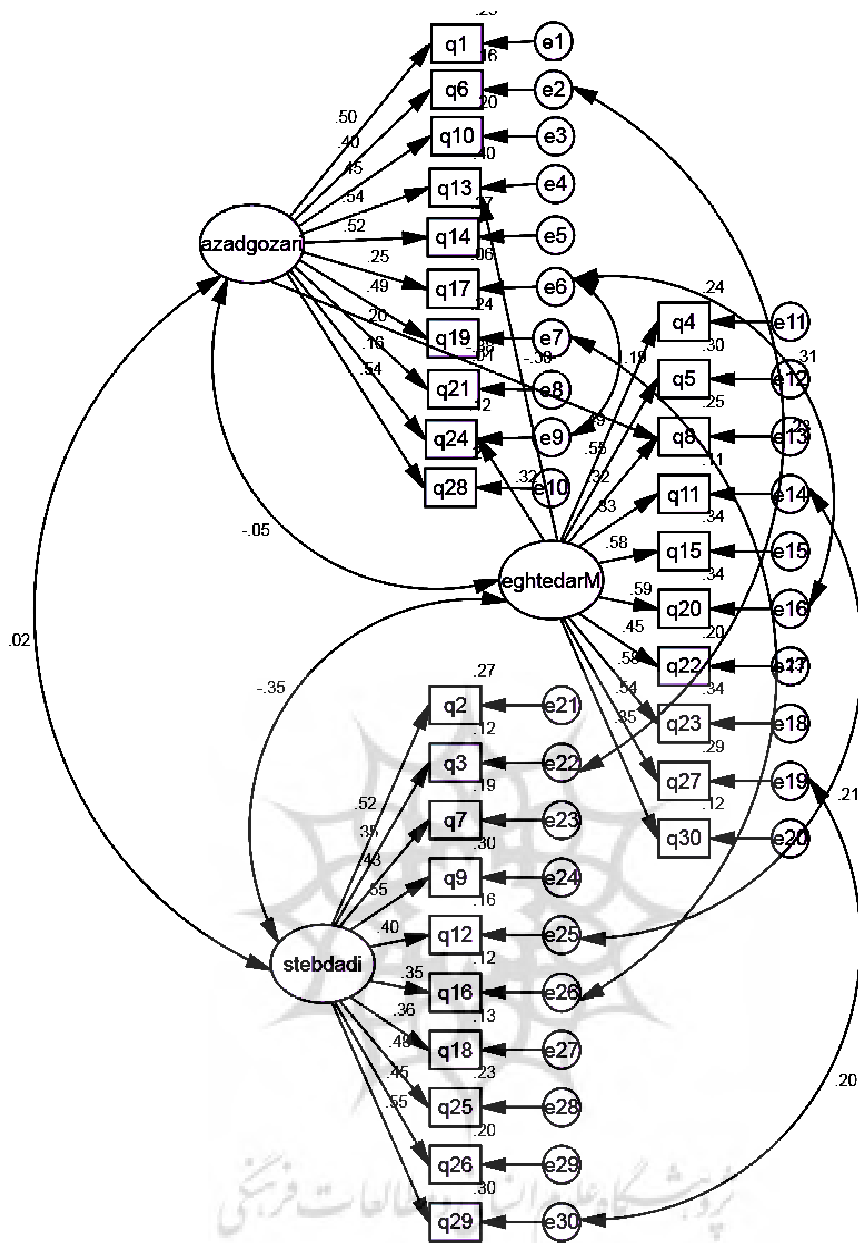
جدول ۵: شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی، مدل B

شاخص	X^2/Df	RMSEA	NFI	CFI	AGFI	GFI	X^2
معیار	کمتر از ۳	کمتر از ۰/۰۵	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۹۰	بیشتر از ۰/۸۰	بیشتر از ۰/۹۰	عدم معناداری
مقدار	۱/۹۶	۰/۰۵	۰/۵۶	۰/۷۱	۰/۸۲	۰/۸۵	۷۹۱/۰۳۳

جدول ۵، شاخص‌های برازش مدل B را در مقایسه با محدوده بهینه نشان می‌دهد. نمودار ۴ و نمودار ۵ ساختار تحلیل عاملی تأییدی مدل A و مدل B را پس از یکی شدن کواریانس‌های خطا و ضرایب رگرسیون نشان می‌دهد.



نمودار ۴: مدل اصلاح شده A



نمودار ۵: مدل اصلاح شده B

در جدول ۶، شاخص‌های برازش، در مدل اصلاح شده A و B نشان داده شده است که بر بهبود شاخص‌های برازش در هر دو مدل دلالت دارد.

جدول ۶: مقایسه شاخص‌های برازش در مدل اصلاح شده A و B

شاخص	X^2/Df	RMSEA	NFI	CFI	AGFI	GFI	X^2
مدل A	۱/۴۴	۰/۰۴	۰/۶۸	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۸۹	۴۵۳/۴۷۶
مدل B	۱/۵۷	۰/۰۴	۰/۶۵	۰/۸۳	۰/۸۵	۰/۸۸	۶۱۸/۹۰۹

طبق جدول ۷، اعتبار کل پرسش‌نامه با استفاده از آلفای طبقه‌ای ۰/۶۵ محاسبه شده است.

جدول ۷: اعتبار پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری به تفکیک جنسیت

پرسش‌نامه	تعداد آیتم	آلفای طبقه‌ای		
		کل	دختر	پسر
شیوه‌های فرزندپروری	۳۰	۰/۶۵	۰/۵۵	۰/۷۳

در جدول ۸، اعتبار خرده‌مقیاس‌ها با استفاده از ضریب گاتمن نشان داده شده است.

جدول ۸: اعتبار خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری

خرده‌مقیاس	تعداد گویه‌ها	ضریب گاتمن
شیوه آزادگذار	۱۰	۰/۶۲
شیوه اقتدار منطقی	۱۰	۰/۷۵
شیوه استبدادی	۱۰	۰/۷۴

جدول ۹: همسانی درونی آیتم‌های خرده‌مقیاس شیوه آزادگذار

شماره آیتم	میانگین مقیاس در صورت حذف	واریانس مقیاس در صورت حذف	ضریب همبستگی سؤال با نمره کل	ضریب آلفای کرونباخ در صورت حذف سؤال
۱	۱۴	۱۸/۲۶	۰/۳۱	۰/۵۷
۶	۱۴/۱۲	۱۷/۹۵	۰/۳۰	۰/۵۷
۱۰	۱۳/۵۶	۱۷/۵۰	۰/۳۳	۰/۵۶
۱۳	۱۴/۳۶	۱۸/۴۳	۰/۲۷	۰/۵۷
۱۴	۱۳/۵۴	۱۷/۵۲	۰/۳۴	۰/۵۶
۱۷	۱۲/۶۰	۱۸/۸۲	۰/۲۰	۰/۵۹
۱۹	۱۴/۴۳	۱۸/۰۸	۰/۳۳	۰/۵۶
۲۱	۱۳/۸۸	۱۸/۱۲	۰/۱۸	۰/۶۰
۲۴	۱۲/۵۲	۱۹/۵۸	۰/۱۰	۰/۶۱
۲۸	۱۴/۰۸	۱۷/۰۲	۰/۴۲	۰/۵۴

جدول ۱۰: همسانی درونی آیتم‌های خرده‌مقیاس شیوه اقتدار منطقی

شماره آیتم	میانگین مقیاس در صورت حذف	واریانس مقیاس در صورت حذف	ضریب همبستگی سؤال با نمره کل	ضریب آلفای کرونباخ در صورت حذف سؤال
۴	۲۹/۳۳	۱۴/۲۷	۰/۰۸	۰/۷۲
۵	۲۸/۹۴	۱۴/۸۶	۰/۴۳	۰/۷۱
۸	۲۹/۰۹	۱۵/۳۴	۰/۲۸	۰/۷۳
۱۱	۲۸/۹۸	۱۵/۳۶	۰/۳۰	۰/۷۳
۱۵	۲۹/۰۸	۱۴/۴۷	۰/۴۲	۰/۷۱
۲۰	۲۹/۱۱	۱۴/۲۱	۰/۴۷	۰/۷۰
۲۲	۲۹/۳۳	۱۴/۵۰	۰/۴۱	۰/۷۲
۲۳	۲۹/۰۳	۱۴/۷۸	۰/۵۳	۰/۷۰
۲۷	۲۸/۹۴	۱۴/۳۴	۰/۴۷	۰/۷۱
۳۰	۲۹/۱۳	۱۵/۳۸	۰/۳۳	۰/۷۳

جدول ۱۱: همسانی درونی آیتم‌های خرده‌مقیاس شیوه استبدادی

شماره آیتم	میانگین مقیاس در صورت حذف	واریانس مقیاس در صورت حذف	ضریب همبستگی سؤال با نمره کل	ضریب آلفای کرونباخ در صورت حذف سؤال
۲	۱۳/۷۱	۲۷/۱۵	۰/۴۶	۰/۷۰
۳	۱۳/۸۶	۲۷/۸۹	۰/۳۲	۰/۷۲
۷	۱۲/۸۷	۲۶/۰۲	۰/۴۲	۰/۷۰
۹	۱۲/۹۱	۲۵/۵۹	۰/۴۸	۰/۶۹
۱۲	۱۲/۴۴	۲۶/۹۷	۰/۳۳	۰/۷۲
۱۶	۱۳/۸۴	۲۷/۶۵	۰/۳۹	۰/۷۱
۱۸	۱۴/۰۷	۲۹/۰۵	۰/۲۶	۰/۷۳
۲۵	۱۳/۵۸	۲۵/۶۰	۰/۴۳	۰/۷۰
۲۶	۱۲/۵۳	۲۶/۲۳	۰/۴۰	۰/۷۱
۲۹	۱۲/۷۷	۲۶/۱۰	۰/۴۲	۰/۷۱

در جدول ۹، ۱۰ و ۱۱ اعتبار آیتم‌ها به تفکیک خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری نشان داده شده است. با توجه به ستون آخر، ضریب آلفای محاسبه شده برای کل خرده‌مقیاس در صورت حذف هر کدام از سوالات، نشان‌دهنده آنست که هر یک از خرده‌مقیاس‌های پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری از همسانی درونی نسبتاً خوبی برخوردارند.

بحث و نتیجه‌گیری

شرط اصلی استفاده از پرسش‌نامه‌ها روایی و اعتبار مناسب آن‌هاست. امروزه آزمون‌ها به طور گسترده‌ای در مدارس، کلینیک‌های مشاوره و روان‌درمانی و دیگر موقعیت‌های اجتماعی کاربرد دارند. در این میان آزمون‌های شخصیت و نگرش در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی، تفاوت‌های فردی را از نظر ویژگی‌های شخصیتی اندازه‌گیری می‌کنند. آنچه در تصمیم‌گیری‌های فردی اهمیت دارد کاهش خطاهای اندازه‌گیری است که با انتخاب یک مقیاس روا امکان‌پذیر است (دلاور و زهراکار^{۲۶}، ۱۳۹۲). پژوهش حاضر به منظور

تعیین ساختار عاملی و اعتبار نسخه فارسی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری بامریند، در بین مادران دانش‌آموزان دختر و پسر دوره ابتدایی شهر تهران صورت گرفت.

ابتدا به طور مقدماتی یک تحلیل عاملی اکتشافی با روش عامل‌یابی محورهای اصلی با چرخش پروماکس، بر روی نمونه A انجام شد تا ساختار عاملی در جامعه مورد پژوهش مشخص شود. نتایج مقیاس کفایت نمونه و آزمون کرویت بارتلنت، نشان داد شرایط لازم برای تحلیل عاملی وجود دارد. این تحلیل، وجود ۹ عامل با ارزش‌های ویژه بیش از یک را نشان داد، اما جهت تصمیم‌گیری نهایی در مورد استخراج عامل‌ها، نمودار اسکری نیز مورد توجه قرار گرفت که با استفاده از نمودار اسکری و حذف شش عامل، به دلیل این که فقط یک یا دو سؤال بار عاملی داشتند، سه عامل استخراج گردید که این سه عامل در مجموع، ۳۰/۴۷ درصد واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کنند.

برای رسیدن به ساختار ساده، سه عامل استخراجی، چرخش داده شد. نتایج ساختار عاملی، نشان داد این پرسش‌نامه از سه عامل اشباع شده است که از نظر تعداد عامل‌ها، با نسخه اصلی این پرسش‌نامه، بامریند (۱۹۷۱) و نسخه فارسی آن، اسفندیاری (۱۳۷۴) هم‌خوانی دارد. هم‌چنین توستون هیل (۲۰۱۱) در پژوهش خود تحت عنوان تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری مبتنی بر نظریه اقتدار والدین بامریند، با تحلیل عاملی اکتشافی بر روی سؤالات پرسش‌نامه نشان داد مدل سه عاملی فرزندپروری، بهترین تفسیر را از داده‌ها دارند که با یافته‌های ما در این پژوهش همسواست. گویه‌های ۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۹، ۲۸ با عامل اول، گویه‌های ۴، ۵، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۳۰ با عامل دوم و گویه‌های ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹ با عامل سوم، همبسته بوده و تشکیل یک خرده‌مقیاس را می‌دهند. در مورد عامل اول، نتایج با راهنمای اصلی آزمون، اسفندیاری (۱۳۷۴) متفاوت بود، بدین ترتیب که دو گویه ۱۷ و ۲۱ که به نگرش شیوه فرزندپروری آزادگذار می‌پردازد، به دلیل آن که روی هیچ عاملی بار نداشتند، حذف شدند و گویه ۲۴ نیز بر روی عامل دوم، بار عاملی قابل قبول داشت. در مورد عامل دوم نیز گویه ۸ به دلیل آن که روی هیچ عاملی بار نداشت حذف شد. در مورد عامل سوم همه گویه‌ها با راهنمای اصلی آزمون، اسفندیاری (۱۳۷۴)، توافق کامل دارد.

مدل A را با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، مورد آزمون قرار دادیم. در تحلیل عاملی تأییدی، از همه ماده‌های تشکیل‌دهنده یک خرده‌مقیاس خاص انتظار می‌رود که بر روی عامل مربوط به خودشان بارگیری شوند. در اجرای تحلیل عاملی تأییدی مدل A، برای تعیین روایی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری، ابتدا پیش‌فرض‌های این روش، مورد ارزیابی قرار گرفت و سپس به منظور شناسایی محل‌های عدم تشخیص مدل، شاخص‌های بهبود بررسی شد و در نهایت شاخص‌های برازش ارائه شد. برآورد مدل A با روش بیشینه درست‌نمایی نشان داد که AMOS در برآورد همه پارامترهای مدل موفق بوده است. در پرسش‌نامه‌های با مقیاس لیکرت، پاسخ‌های آزمودنی‌ها به آیتم‌های خاص منجر به این امر می‌شود که بیشتر آزمودنی‌ها طبقه پاسخ یکسانی را انتخاب کنند، در نتیجه بعضی از آیتم‌ها توزیع کشیدگی مثبت چند متغیره را منعکس می‌کنند. نتایج ارزیابی نرمال بودن متغیرها، بیانگر داده‌هایی هستند که به طور غیر نرمال توزیع شده‌اند. از آنجایی که کشیدگی به شدت بر آزمون‌های واریانس و کواریانس اثر می‌گذارد، در تفسیرهای مبتنی بر برآورد بیشینه درست‌نمایی، دچار مشکل می‌شویم، بنابراین روش‌های دیگر برآورد مناسب‌تر است. اما از

آن جایی که در روش‌های دیگر به حجم نمونه بیش از ۱۰۰۰ نیاز داریم، به جای استفاده از یک نوع برآورد متفاوت، مناسب‌تر آن است که آماره آزمون را اصلاح کنیم (فرد^{۲۷}، ۱۳۹۳). مورد شماره ۵۸، ۴۹ و ۲۱۱، نقاط دورافتاده چند متغیره از آماره ماهالانوبیس، به عنوان داده‌های دورافتاده، از تحلیل حذف شدند. سپس شاخص‌های بهبود را به منظور شناسایی محل‌های عدم تشخیص مدل مورد بررسی قرار دادیم. بالاترین MI، در پارامترهای ۲۳ و ۱۹، ۱۷ و ۱۴، ۲۲ و ۲۱، ۲۰ و ۱۰ وجود دارد که مربوط به کواریانس خطای مربوط به مؤلفه‌هاست. علت ایجاد کواریانس‌های خطا در عبارات ۱۶ و ۳، ۳۰ و ۲۳، ۹ و ۱۲، ۷ و ۱۱، می‌تواند مربوط به سوگیری پاسخ در سؤالات پرسش‌نامه باشد.

هم‌چنین مقدار بالای MI، مربوط به شاخص‌های بهبود برای وزن‌های رگرسیون در آیتم ۱۳ حاکی از آن است که آیتم ۱۳ مربوط به خرده‌مقیاس شیوه آزادگذار و آیتم ۱۸ مربوط به خرده‌مقیاس شیوه استبدادی می‌تواند به نحو مناسب‌تری بر شیوه اقتدار منطقی بارگذاری شوند. شاخص‌های برازش مدل A، مؤید آن است که ساختار پرسش‌نامه، برازش نسبتاً ضعیفی با داده‌ها دارد.

در شناسایی ساختار مدل اولیه پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری، تحت عنوان مدل B، نتایج نشان داد که AMOS در برآورد پارامترهای مدل عاملی نیز موفق بوده است. نتایج ارزیابی نرمال بودن متغیرها، نشان داد داده‌ها به طور غیر نرمال توزیع شده‌اند. مورد شماره ۱۹۲، ۱۸۶ و ۲۸۲، نقاط دورافتاده چند متغیره از آماره ماهالانوبیس، به عنوان داده‌های دورافتاده، از تحلیل حذف شدند. بالاترین MI، در رابطه با پارامترهای ۱۶ و ۶، ۲۲ و ۹، ۶ و ۲۵، ۱۴ و ۷، ۲۶، ۳۰ و ۱۹، وجود دارد که مربوط به کواریانس خطای مربوط به مؤلفه‌هاست. علت ایجاد کواریانس‌های خطا در ماده‌های ۲۴ و ۱۷ مربوط به درجه بالای همپوشانی در محتوای عبارات و در عبارات ۲۰ و ۱۷، ۳ و ۶، ۱۲ و ۱۱، ۱۶ و ۲۹، ۲۷ می‌تواند مربوط به سوگیری پاسخ به عبارات پرسش‌نامه باشد. مقدار بالای MI در آیتم ۲۴، ۸، ۱۳، مربوط به شاخص‌های بهبود برای وزن‌های رگرسیون حاکی از آن است که آیتم ۲۴ و ۱۳ مربوط به خرده‌مقیاس شیوه آزادگذار می‌تواند به نحو مناسب‌تری بر شیوه اقتدار منطقی و آیتم ۸ مربوط به خرده‌مقیاس شیوه اقتدار منطقی، روی شیوه آزادگذار بارگذاری شود.

هم‌چنین نتایج بررسی شاخص‌های برازش مدل B نشان داد شاخص‌های مشاهده شده در مقایسه با محدوده بهینه، بر برازش ضعیف مدل B با داده‌ها دلالت دارد. نتایج برازش مدل B با یافته‌های پژوهش توستون هیل (۲۰۱۱) تحت عنوان تحلیل عاملی تأییدی و اکتشافی پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری مبتنی بر نظریه اقتدار والدین بامریند، همسو است. شاخص‌های برازش، در مدل A و B، نشان داد مدل ۲۷ آیتمی A، در مقایسه با مدل ۳۰ آیتمی B، با داده‌ها برازش بهتری دارد. این نتایج با یافته‌های پژوهش الخاروسی و همکاران (۲۰۱۱) که نشان داد نسخه کوتاه پرسش‌نامه اقتدار والدین در مقایسه با پرسش‌نامه ۳۰ آیتمی در همه زیرمقیاس‌ها از روایی و اعتبار بهتری برخوردار است، نزدیک است.

به طور کلی نتایج تحلیل عاملی تأییدی در این پژوهش نشان می‌دهد که سؤالات پرسش‌نامه شیوه‌های فرزندپروری دارای روایی نسبتاً مطلوبی است و به استثنای ماده ۲۴، ۸، ۱۳ و ۱۸ بقیه ماده‌ها، عامل مربوط به خود را اندازه‌گیری می‌کنند. ماده‌های ۱۶ و ۳، ۳۰ و ۲۳، ۱۲ و ۹، ۷ و ۱۱ در مدل A و ماده‌های ۲۰ و ۱۷، ۳ و ۲۴، ۱۷ و ۱۲، ۱۱ و ۱۹، ۱۶ و ۲۹، ۲۷ در مدل B به علت ایجاد کواریانس‌های خطا نیاز به بازبینی

و تجدید نظر دارند. هم‌چنین نتایج آماره‌های مربوط به شاخص‌های برآزش مربوط به مدل اصلاح شده، تأییدی بر این ادعاست و نشان می‌دهد که یکی شدن کواریانس خطا بین پارامترهای ۲۳ و ۱۹، ۱۷ و ۱۴، ۲۲ و ۲۱، ۲۰ و ۱۰، و ضریب رگرسیونی در آیت ۱۳ و ۱۸ در مدل A و یکی شدن کواریانس‌های خطا بین پارامترهای ۱۶ و ۶، ۲۲ و ۲، ۹ و ۶، ۲۵ و ۱۴، ۷ و ۲۶، ۳۰ و ۱۹ و ضرایب رگرسیونی در آیت‌های ۲۴، ۸ و ۱۳ در مدل B، اساساً بهبود قابل توجهی در برآزش مدل به وجود آورده است. ضمن این‌که مدل اصلاح شده A با داده‌ها برآزش بهتری دارد. در مجموع با توجه به یافته‌های این پژوهش ساختار پرسش‌نامه اندکی تغییر می‌کند. بر این اساس عبارات ۱، ۶، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۸ با شیوه آزادگذار، عبارات ۴، ۵، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۷، ۳۰ با شیوه اقتدار منطقی و عبارات ۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۲۵، ۲۶، ۲۹ با شیوه استبدادی همبسته است. مدل سه عاملی تأیید شده در این پژوهش با مدل اولیه اسفندیاری (۱۳۷۴) در بعضی از عبارات تفاوت دارد.

در تبیین اختلاف ساختار عاملی مدل A و B (مدل اولیه)، احتمالاتی را می‌توان مطرح کرد: ترجمه ضعیف برخی از عبارات می‌تواند ضمن ایجاد پاسخ‌های بی‌اساس، ارتباط بین عبارت و عامل مربوطه را ضعیف کند. هر چند ترجمه‌های متعددی که در فرآیند آماده‌سازی نسخه فارسی صورت گرفت ما را تا حد زیادی از وجود ترجمه‌ای نسبتاً دقیق مطمئن می‌کند، اما احتمال عدم ترجمه دقیق را همواره می‌توان به عنوان یکی از عوامل تبیین‌کننده تفاوت‌های فوق مطرح کرد. ابهام و دوپهلویی برخی عبارات به لحاظ مفهومی و ادراکی نیز جای بحث دارد. عبارات ۷ (اگر بچه‌ها کاملاً مطابق میل والدین خود رفتار کنند در آینده افراد موفق خواهند شد)، ۱۱ (هرگاه بچه‌ها بر خلاف میل والدین رفتار کردند، والدین باید به جای تنبیه آن‌ها را راهنمایی کنند)، ۱۲ (والدین خیلی زود باید به بچه‌ها بفهمانند که رئیس خانواده چه کسی است) و ۱۶ (والدین باید با بچه‌هایی که با نظر آن‌ها مخالفت می‌کنند به شدت برخورد نمایند) نیاز به بازبینی و تجدید نظر دارند. احتمال این‌که با حذف برخی از کلمات، پاسخ آزمودنی‌ها تغییر کند، وجود دارد. هم‌چنین عبارات ۱۷ (والدین باید به بچه‌ها اجازه دهند تا در کارها، خودشان تصمیم‌گیرنده باشند) و ۲۴ (باید اجازه داد تا بچه‌ها خودشان تجربه کنند) دارای همپوشانی محتوایی هستند.

هم‌چنین اعتبار محاسبه شده برای کل پرسش‌نامه با استفاده از آلفای طبقه‌ای و اعتبار خرده‌مقیاس‌ها با استفاده از ضریب گاتمن، نشان داد پرسش‌نامه و خرده‌مقیاس‌های آن از اعتبار نسبتاً خوبی برخوردار هستند. هم‌چنین عامل اول (شیوه آزادگذار) از ثبات کمتری برخوردار است. ضریب اعتبار خرده‌مقیاس‌ها مانند اندازه‌گیری اسفندیاری (۱۳۷۴) در طیف ۰/۷۷-۰/۶۲ قرار دارد. هم‌چنین یافته‌های پژوهش حاضر با نتایج پژوهش بی‌طرف و همکاران (۱۳۸۹) همسو است.

در پایان پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، ابتدا یک ترجمه مناسب جهت رفع مشکلات مفهومی سؤالات این پرسش‌نامه صورت گیرد، هم‌چنین برای اطمینان بیشتر نسبت به اعتبار پرسش‌نامه، از روش‌های دیگر اعتباریابی مانند بازآزمایی استفاده شود تا قابلیت اعتبار این ابزار در جامعه مورد پژوهش مشخص گردد. با سنجش نگرش فرزندان نیز، پاسخ‌ها کمتر در معرض سوگیری قرار می‌گیرند.

پی‌نوشت‌ها

- | | |
|-----------------------|--|
| 1. Ahadi & Nikchehreh | 15. Buri |
| 2. Parenting style | 16. Esfandiari |
| 3. Shariatmadari | 17. Bitaraf, Shaeeri & Hakimjavadi |
| 4. Lotfabadi | 18. Danesh, Rezaabakhshi, Bahmani & Saliminia |
| 5. Parish & McLuskey | 19. Farahini, Afrooz & rasoolzadeh tabatabaei |
| 6. Shaefer | 20. Alkharusi, Aldhafri, Kazem, Alzubiadi & Al-Bahrani |
| 7. Baker | 21. Toston Hill |
| 8. Aboutalebi Ahmadi | 22. Nikzad, Minaei & Hassani |
| 9. Baumrind | 23. Mirzaei |
| 10. Brown | 24. Confirmatory factor analysis |
| 11. Authoritarian | 25. Saeedi |
| 12. Permissive | 26. Delavar & Zaharakar |
| 13. Authoritative | 27. Farbod |
| 14. Steinberg | |

منابع

- ابوطالبی احمدی، ت. (۱۳۹۱). رابطه شیوه فرزندپروری و عزت نفس با سلامت روانی دانش‌آموزان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۳(۱۶)، ۷۱-۸۸.
- احدی، ح. و نیک چهره، م. (۱۳۸۶). *روان‌شناسی رشد: مفاهیم بنیادی در روان‌شناسی نوجوانی و جوانی*. تهران: پردیس اسفندیاری، غ. (۱۳۷۴). مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران در دو گروه کودکان مبتلا به اختلال رفتار و تاثیر آموزش مادران در کاهش اختلال رفتاری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی تحقیقات روان‌پزشکی تهران.
- براون، ک. (۲۰۰۸). *روان‌شناسی رشد*. ترجمه م. علی‌اکبری دهکردی (۱۳۹۳). تهران: روان-بی‌طرف، ش.، شعیری، م. و حکیم جواد، م. (۱۳۸۹). هراس اجتماعی، سبک‌های والدگری و کمال‌گرایی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسان ایرانی*، ۷(۲۵)، ۷۵-۸۱.
- دانش، ع.، رضابخشی، ح.، بهمنی، ز. و سلیمی‌نیا، ن. (۱۳۹۰). رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با عزت‌نفس جنسی و مولفه‌های آن در دانشجویان زن دانشگاه. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، ۳(۱۹)، ۳۹-۵۵.
- دلاور، ع. و زهراکار، ک. (۱۳۹۲). *سنجش و اندازه‌گیری در روان‌شناسی، مشاوره و علوم تربیتی*. تهران: ارسباران.
- سعیدی، ز. (۱۳۹۱). رابطه شیوه‌های فرزندپروری و وابستگی به دیگران با مسئولیت‌پذیری بین دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز.
- شریعتمداری، ه. (۱۳۸۴). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: آوای نور.
- فراهینی، ن.، افروز، غ. و رسول‌زاده طباطبایی، ک. (۱۳۹۲). رابطه شیوه‌های فرزندپروری والدینی و کمرویی با خلاقیت در تیزهوشان. *فصلنامه روان‌شناسی مدرسه*، ۲(۴)، ۱۵۳-۱۳۷.
- فرید، ا. (۱۳۹۳). *مدل‌سازی معادلات ساختاری در داده‌های پرسشنامه‌ای به کمک نرم‌افزار AMOS22*. تهران: مهرگان قلم.
- لطف‌آبادی، ح. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی رشد*. (جلد دوم). تهران: سمت.
- میرزایی، ل. (۱۳۸۴). بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری مادران با رشد شناختی کودکان ۹-۷ ساله با تاکید بر خلاقیت، دقت و حل مسئله. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
- نیک‌زاد، س.، مینائی، ا. و حسنی، ف. (زیر چاپ). ویژگی‌های روان‌سنجی سوالات پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری با استفاده از نظریه سوال- پاسخ. *فصلنامه مطالعات اندازه‌گیری و ارزشیابی آموزشی*.

- Aboutalebi Ahmadi, T. (2012). [The relationship of parenting styles, self-esteem, and students' mental health]. *Journal of Family and Research*, 9(3), 71-88 [in Persian].
- Ahadi, H., & Nikchehreh, M. (2007). [*Developmental Psychology: Basic concepts in psychology adolescence and youth*]. 12th Ed. Tehran: Pardis [in Persian].
- Alkharusi, H., Aldhafri, S., Kazem, A. M., & Alzubiadi, A. (2011). Development and validation of a short version of the Parental Authority Questionnaire. *Social Behavior and Personality an international Journal*, 39(9), 1193-1208.
- Baumrind, D. (1971). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology*, 4(1-2), 1-103. <http://dx.doi.org/10.1037>
- Bitaraf, Sh., Shaeri, M., & Hakimjavadi, M. (2010). [Social phobia, parenting styles & perfectionism]. *Journal of Developmental Psychology, Iranian Psychologist*, 7(25), 78-81 [in Persian].
- Brown, C. (2008). *Developmental psychology* (M. Aliakbari Dehkordi, Trans.). Tehran: Ravan [in Persian].
- Steinberg, L. (2001). We know some things: Parent- adolescent relationship in retrospect and prospect. *Journal of Research on Adolescence*, 11, 1-19.
- Danesh, E., Rezabakhshi, H., Bahmani, Z., & Saliminia, N. (2010). [Relationship between parenting styles and sexual self-esteem and its' components in female university students]. *Journal of Applied Psychology*, 3(19), 39-55 [in Persian].
- Delavar, A., & Zahrakar, K. (2013). [*Assessment and Measurement in Psychology*]. 4th Ed. Tehran: Arasbaran [in Persian].
- Esfandyari, Gh. (1995). *Comparison of mothers' parenting styles of two groups of children with conduct disorders and impact of mothers training on reducing conduct disorders*. Master's Thesis, Tehran Psychiatric Institute [in Persian].
- Farahini, N., Afrooz, Gh. & Rasoolzadeh Tabatabaei, K. (2013). [The relationship between parenting styles, shyness and creativity in gifted children]. *Journal of School Psychology*, 2(4), 137-153 [in Persian].
- Farbod, A. (2014). [*Structural equation modeling software in data questionnaire by AMOS22*]. 1st Ed. Tehran: Mehregan Ghalam [in Persian].
- Lotfabadi, H. (2006). [*Developmental psychology*]. Vol 2. Tehran: SAMT [in Persian].
- Mirzaei, L. (2005). *The relationship between parenting styles and cognitive development of children of 7-9 years old with an emphasis on creativity, attention and problem-solving*. Master's Thesis, Allameh Tabatabai University [in Persian].
- Nikzad, S., Minaei, A., & Hassani, F. (In Press). [Psychometric Properties of Parenting Style Inventory Based on the Question-Response Theory]. *Journal of Measurement & Educational Evaluation Studies*, [in Persian].
- Saeedi, Z. (2012). *Relationship between Parenting style, Dependency and Responsibility among Female High School Students*. Master's Thesis, Islamic Azad University, Tehran Markaz Branch [in Persian].
- Shariatmadari, H. (2005). [*Social Psychology*]. 1st Ed. Tehran: Avaye Noor [in Persian].
- Toston Hill, M. (2011). *Confirmatory and exploratory factor analysis of the parental authority questionnaire*. Master thesis in education, University of Florida.